برگزاری مراسم یادبود اکبر عبدی در صدا و سیما

دکتر جبلی: سریال «ماه‌عسل» با بازی مرحوم عبدی بعد از ماه صفر در فهرست پخش قرار می‌گیرد





یدالله عبدی/ جام جم

آیین یادبود اکبر عبدی، بازیگر پیشکسوت و چهره ماندگار عرصه نمایش کشور، دیروز در مسجد بلال صداوسیما برگزار شد.

رئیس سازمان صداوسیما در حاشیه این مراسم با بیان این‌که زنده‌یاد اکبر عبدی هیچ‌وقت از مردم جدا نشد و هنرمندی بود که با نقش‌هایش زندگی می‌کرد، گفت: صداقت و صمیمیتی که وی در نقش‌هایش داشت، برخاسته از روح مردمی او بود و ما هنرمند مردمی و منحصربه‌فردی را از دست دادیم.

به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، دکتر پیمان جبلی با اشاره به دومجموعه تلویزیونی که به یادگار از اکبر عبدی روی آنتن خواهد رفت، گفت: این افتخاری برای رسانه ملی است که زنده‌یاد اکبر عبدی در دو سال اخیر دو مجموعه تلویزیونی را از خود به یادگار گذاشته و ما میزبان او در مجموعه‌های نمایشی خواهیم بودیم.

وی افزود: «ماه‌عسل»، آخرین سریال این هنرمند، اثری طنز و تولید مرکز سیما فیلم است که بعد از ایام صفر در کنار اکتور پخش قرار خواهد گرفت. وی با اشاره به حضور مرحوم عبدی در سریال «سبزواران»، دومین مجموعه تلویزیونی که قرار است از وی روی آنتن برود، افزود: تصویربرداری سریال «سبزواران» دقیقا در ایام جنگ ۱۲ روزه و زیر موشک باران تهران انجام شد و در آن روزها وی و دیگر عوامل به دلیل تعهدی که به کار داشتند بدون ترک تهران در صحنه حاضر بودند. رئیس رسانه ملی در ادامه با بیان این‌که او هیچ‌وقت از مردم جدا نشد، اظهار کرد: مرحوم عبدی هنرمندی بود که با نقش‌هایش زندگی کرد. او هیچ‌گاه بازی نکرد، بلکه خود زندگی را به تصویر کشید و این مهم‌ترین دلیل محبوبیتش در میان مردم و اهل ایران بود. جبلی با تأکید بر این‌که مایک هنرمند منحصربه‌فرد را از دست دادیم، یادآور شد: صداقت و صمیمیتی که وی در نقش‌هایش داشت، برخاسته از روح مردمی او بود و ما هنرمند مردمی و منحصربه‌فردی را از دست دادیم. امیدواریم مردم او را با خاطرات خوشی که در ذهن دارند، به یاد بیاورند.

وی با اشاره به درگذشت زودهنگام اکبر عبدی گفت: مرحوم عبدی واقعا زود از جمع ما رفت؛ کسی باور نمی‌کرد بیماری ایشان، به‌ازدست دادن‌شان منجر شود و امیدواریم خدا به خانواده‌اش صبر عنایت نماید. رئیس رسانه ملی گفت: امیدواریم بتوانیم آثار ایشان را تا سالیان سال به‌عنوان خاطرات شیرینی که مردم با ایشان داشتند، پخش کنیم.

محبوبیت زنده‌یاد اکبر عبدی نه محو می‌شود و نه فراموش

همچنین طی این مراسم که با حضور خانواده این هنرمند، مدیران و مسئولان، رئیس سازمان صداوسیما، اهالی فرهنگ و رسانه و جمعی از علاقه‌مندان همراه بود، یاد و خاطره این بازیگر گرامی داشته شد. مهران غفوریان در این مراسم ضمن اشاره به ارتباط دیرینه‌اش با زنده‌یاد اکبر عبدی گفت: سفر آخرت آقای عبدی برای شخص من مصیبت بزرگی بود. این غم را به اعضای خانواده ایشان و همه دوستان و همکارانی که عزادارشان هستند، تسلیت می‌گویم. وی افزود: دست همه را می‌بوسم و شبی نیست که به یاد آقای عبدی گریه نکنم. نمی‌دانم با این غم چگونه کنار بیایم. او کسی بود که همواره در زندگی به من مشورت می‌داد و مسئله‌های بزرگ را برایم کوچک می‌کرد و برایشان راهکار می‌داد. کاش قدر بزرگ‌ترهایی که هنوز در قید حیات هستند را بدانیم و هرازگاهی از ایشان احوال‌پرسی کنیم.

حضور عبدی در فیلم‌ها باعث مسرت خاطرمان بود

مهران رجبی نیز با اشاره به خوش‌خلقی مرحوم اکبر عبدی اظهار کرد: بعضی آدم‌ها وقتی در صحنه بودند، آن محیط و پشت‌صحنه را لذت‌بخش می‌کردند. آدم‌هایی چون سیروس گرجستانی، فتحعلی اویسی و اکبر عبدی در این زمینه سرآمد بودند. دوستانی که بودنشان برای شخص من انگیزه حضور در یک کار بود و همواره پس از پایان کار همه گروه ناراحت تمام شدن پروژه می‌شدیم. قلبمان امیدوار است که اکبرآقا جزو کسانی است که مصداق این آیه‌اند: «ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِکَ یَوْمُ الْخُلُود» یعنی کسانی که با درود وارد بهشت می‌شوند.

مرحوم عبدی یک شخصیت نقش‌آفرین بود

حسین فرح‌بخش، تهیه‌کننده تلویزیون و سینما هم طی سخنانی در این مراسم اظهار کرد: زنده‌یاد عبدی را قبل از وارد هنر شدن می‌شناختم. زمانی که در بازار بود و در کوهنوردی‌ها مراسمی را اجرا می‌کرد. اولین نقش اول در یک فیلم سینمایی را در «جنجال بزرگ» به او دادم که قبل از «اجاره‌نشین‌ها» تولید شد. برای یک دهه او، من و عبدالله اسکندری را سه تفنگدار می‌نامیدند. تمام این سال‌ها رفاقت من و عبدی استمرار داشت. وی افزود: خاطره‌ای که امروز از او به یاد دارم مربوط به زمانی است که فهمید قرار است علیرضا خمسه در فیلمی کنارش باشد و گفت: «باید دوبرابر به من پول بدهی، چون می‌دانم که این کار بسیار می‌فروشد» و مایک برابر و نیم به او دستمزد دادیم. عبدی در هنر ایران چیزی داشت که در ایران و شاید جهان نداریم و آن این بود که نقش‌آفرین بود و چیزی که وجود نداشت را به وجود می‌آورد. این ویژگی بود که در بازیگران دیگر ندیدم.

عبدی هم مشهور بود و هم محبوب

مسعود ده‌نمکی نیز در مراسم یادبود اکبر عبدی گفت: امروز صاحب‌عزای اصلی در درگذشت اکبر عبدی، مردم هستند و به بهانه پخش آهنگ «اخراجی‌ها» در این مراسم لازم است از دوستانی چون فریدون شهبازیان، سازنده موسیقی متن «اخراجی‌های ۱»، جواد شریفی‌راد، مسئول جلوه‌های ویژه که در پشت‌صحنه «معراجی‌ها» به شهادت رسید، رضا رویگری که در «اخراجی‌ها» و «معراجی‌ها» حضور داشت و مرحوم بحرالعلومی که دیگر در کنار ما نیستند، یاد کنم. وی افزود: این چند روز پس از رفتن مرحوم عبدی دریافتیم که مرز شهرت و محبوبیت کجاست و این محبوبیت است که درگذر زمان نه محو می‌شود و نه فراموش. گاهی خدا محبوبیت برخی را به دل مردم می‌اندازد و اکبر عبدی یکی از همان آدم‌ها بود که حضور پرشمار طرفدارانش در مراسم خاک‌سپاری، یکی از شلوغ‌ترین خاک‌سپاری‌های هنرمندان پس از انقلاب را رقم زد. عبدی بازیگری بود که به‌رغم یادگیری این هنر به شکل تجربی دانش متکثری از سینما داشت. ده‌نمکی در ادامه به شخصیت مسلط عبدی در بازیگری اشاره کرد و گفت: عبدی در بدترین حوادث کنار مردم بود و هرگز پشت مردمش را خالی نکرد.

عبدی خالق نقش‌های خود بود

مرتضی رزاق‌کریمی، تهیه‌کننده تلویزیون نیز دیگر سخنران این مراسم بود و اظهار کرد: افتخار داشتم که در دو کار نمایشی که ان‌شاءالله به‌زودی پخش می‌شود و آخرین آثار آقای عبدی هستند، با او کار کنم. «ماه‌عسل» و «سبزواران» عنوان این دو کارند. وی افزود: سر پروژه «سبزواران» بودیم که جنگ ۱۲ روزه شروع شد. به‌رغم استرس‌ها و زمزمه‌های توقف کار، او با صلابت گفت کار می‌کنیم و تولید این اثر در جنگ ۱۲ روزه بدون وقفه ادامه یافت. عبدی معتقد بود که بازیگر مهم‌ترین عنصر شکل‌گیری قصه‌هاست. شاید بسیاری فن را بیاموزند، اما قدرت از آن خود کردن نقش را هرکسی ندارد. عبدی می‌توانست آن شخص را در جهانی که برای آن نقش خلق شده بود، پیدا کرده و خالق نقش‌ها می‌شد.

مکث؛ آرامش در طوفان روایت‌ها

سازندگان برنامه شبکه یک با پژوهشی عمیق، سنگری برای حقیقت بنا کرده‌اند





امیر گودرزی
گروه رسانه

در عصری که سرعت نبض تپنده زندگی مدرن است، سبک زندگی پرشتاب اولویت عنوان بر متن را برجسته کرده است. مخاطبان امروزی چون رهگذرانی خسته از کنار انبوه اطلاعات عبور می‌کنند و تنها تکان‌دهنده‌ترین و جذاب‌ترین عناوین، برای لحظاتی در ذهن‌شان حک می‌شود. در این میان برنامه «مکث» با نگاهی عمیق‌تر قصد دارد مخاطب نسل جدید را به لحظه‌ای درنگ فرابخواند؛ درنگی میان واقعیت‌های سطحی و حقیقت‌های پنهان. این مجموعه مستندهای کوتاه، با رویکردی تحلیلی، به بررسی موضوعات روز فرهنگی و سیاسی می‌پردازد و در لایه‌های زیرین مسائل فرهنگی، به‌دنبال پرده‌برداری از ریشه‌های سیاسی آنهاست؛ رویکردی که در گفت‌وگوی جام جم با یونس محمدی تهیه‌کننده و مجری برنامه، جزئیات بیشتری از آن آشکار شد.

او در این گفت‌وگو به اهمیت کشف حقیقت از میان واقعیت‌های مهندسی‌شده و پرهیز از کلیشه‌های رسانه‌ای برای جذب نسل جوان تاکید کرد و از تلاش برنامه برای توانمندسازی مخاطب به‌جای ارائه پاسخ‌های آماده سخن گفت.

رد پای تاریخ؛ از سواحل بوشهر تا جغرافیای بحرین

محمدی در تشریح چرایی تغییر رویکرد در فصل جدید می‌گوید: ما در این فصل به موضوع میدان مشترک مقاومت می‌پردازیم؛ از کشورهای پیرامون، از جنوب خلیج فارس تا دریای مدیترانه و پاکستان و افغانستان تا تاجیکستان، قزاقستان، آذربایجان و ارمنستان؛ تمام کشورهایی که تعلق خاطر به ایران فرهنگی دارند و استعمار در طول سال‌ها سعی کرده میان آنها افتراق ایجاد کند. وی با اشاره به اهمیت خلیج فارس و بحرین در این تحلیل می‌افزاید: با توجه به شرایط موجود، از بوشهر شروع کردیم تا قضیه بحرین را تبیین کنیم؛ بحرینی که پیش از جدایی توسط واحدهای حکومتی مستقر در بوشهر اداره می‌شد. تمام تلاش ما این است که امتداد اتفاق تاریخی را تا امروز ردیابی کنیم و بگوییم اگر جنگی به کشور ما تحمیل شده، ریشه‌های تاریخی دارد و مال امروز نیست. پرسش درباره ماموریت اصلی «مکث»، پاسخ‌های قابل تأمل تهیه‌کننده آن را در پی دارد. محمدی می‌گوید: ماموریت برنامه از ابتدا این بود که در میان دنیای پرسرعت خبر، انتشار اطلاعات زیاد، از تولد فرزند یک فوتبالیست تا جنگ‌ها که مخاطب با آنها روبه‌روست و بسیاری‌شان اخبار مهندسی‌شده رسانه‌های آن طرفی است، راه خود را پیدا کند.

او تصریح می‌کند: در تلاشیم از میان واقع‌نمایی‌هایی که عموما هم کاذب است، حقایق را از دل واقعیت‌های مهندسی‌شده بیرون بکشیم. تمام سعی ما این است که نمای بازی از وقایع داشته باشیم تا حقیقت ما اجرا کشف شود.

روایتگری بدون کلیشه‌های رسانه‌ای

یکی از چالش‌های همیشگی برنامه‌های تلویزیونی، جذاب کردن محتوا برای نسل جوان است. محمدی در این زمینه بر اهمیت پرهیز از فرمول‌های تکراری تاکید دارد و می‌گوید: دوست ندارم از اصطلاح قلاب استفاده کنم. ما سعی می‌کنیم مخاطب را درگیر قصه کنیم و ماجرا را جوری ورق بزنیم که مخاطب دنبال پاسخ باشد و چه بسا خودش پیگیر شود و ادامه آن را دنبال کند. هدف من ایجاد پرسش است، نه این‌که لزوما چند کلمه جلوی دوربین بگوییم و تمام. خود مخاطب باید مشارکت کند و به فکر بیفتد. سعی می‌کنیم با استفاده از تصاویر آرشیوی و سفر به مناطق مختلف، نماهای چشم‌نوازی ضبط کنیم اما اساس کار ما چیدمان هوشمندانه مطالب است.

او عقیده دارد در برنامه مکث مانند آینه عمل می‌کنند و در مورد آن توضیح می‌دهد: اگر مخاطب نوری را دریافت می‌کند قطعا باید گفت منشا نور ما نیستیم. تمام این سعی ما به‌معنای برنامه‌ریزی یا مهندسی برای جذب مخاطب نیست بلکه تلاش برای خالص‌شدن و صادق بودن است اما حرف زدن و روایت کردن آداب و ابزاری دارد که باید هوشمندانه آن را تشخیص داد و به‌کار بست.

نسبت «مکث» با جنگ روایت‌ها

محمدی درباره جایگاه برنامه در میدان نبرد روایت‌ها می‌گوید: ما برنامه‌ای نیستیم که تحلیل به‌روز از اخبار داشته باشیم. فاصله‌داشتن از زمان وقوع خبر طبیعی است. چون وقتی کار پژوهشی می‌کنید، باید داده‌هایی در اختیارتان باشد و فرصت جست‌وجو داشته باشید و بگذارید موضوع دم بکشد. وی تاکید می‌کند که شاغول و معیار ما در این تحلیل‌ها انقلاب اسلامی است. با این حال تلاش می‌کنیم روایت منصفانه و پژوهش شده‌ای ارائه دهیم. این برنامه نه خیلی نخبگانی است و نه زرد بلکه سعی می‌کند مسائل را ساده تجزیه و تحلیل کند تا مخاطب خودش ماهیگیر باشد نه این‌که مالزوما ماهی را بگیریم و دستش بدهیم. تهیه‌کننده برنامه مکث در بخش دیگری از صحبت‌های خود به طرح‌های آینده و ایده‌های در حال بررسی برای گسترش این برند رسانه‌ای اشاره می‌کند و می‌گوید: ایده‌های مختلفی مانند راه‌اندازی مکث پلاس یا نسخه روزانه پادکستی برنامه را در ذهن داریم و به قالب‌های دیگری مثل گفت‌وگوی دونفره، ارائه نسخه‌های ریمیکس‌شده از برنامه‌های گذشته و تداوم تولید فصل پنجم فکر می‌کنیم. البته این ایده‌ها هنوز به مرحله قطعیت یا اجرا نرسیده‌اند و در حال چکش‌کاری آنها هستیم تا در صورت فراهم شدن شرایط، قالب‌های جدیدی از مکث را به مخاطبان ارائه دهیم که بتواند در بستر رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی نیز اثرگذاری مناسبی داشته باشد.



برش

رسانه‌ای برای درنگ در عصر شتاب

تهیه‌کننده برنامه «مکث» با تاکید بر اهمیت نگاه فراملی در برنامه‌سازی تبیینی یادآور می‌شود که پرداختن به موضوع وحدت و امت بودن در میان کشورهای همسایه و تقویت بنیان‌های ایران فرهنگی، پادزهر اصلی در برابر سموم رسانه‌ای است که به‌دنبال تفرقه هستند. به گفته او، برنامه مکث تلاش می‌کند با تکیه بر پژوهش‌ها و روایت‌های مستند تاریخی، این پیوندهای عمیق را که در طول قرن‌ها میان مردم این جغرافیا شکل گرفته بار دیگر احیا و بازخوانی کند. وی با اشاره به ورود برنامه به فصل پنجم و عبور از قسمت ۱۰۱، بر تداوم این مسیر با نگاهی عمیق‌تر به تاریخ‌های ناگفته و پیوندهای ناگسستنی میان کشورهای همسایه تاکید می‌کند و می‌گوید: هدف نهایی برنامه، توانمندسازی مخاطب برای درک پیچیدگی‌های جهان امروز از دریچه تاریخ و کشف حقیقت از میان واقعیت‌های مهندسی‌شده است چرا که در عصر شتاب، درنگ برای فهمیدن، یک رسالت است.

از صحبت‌های محمدی می‌توان دریافت برنامه مکث به‌عنوان مجموعه‌ای مستند با رویکردی تحلیلی و پژوهش‌محور، درراستای اهداف خود مبنی بر تبیین عمیق مسائل فرهنگی و سیاسی مسیر متمایزی را در رسانه‌های امروز پیموده است. این برنامه با درک ضرورت درنگ در عصر شتاب اطلاعات و با توجه به اهمیت روزافزون عنوان بر متن در میان نسل جدید، تلاش می‌کند مخاطب را به لایه‌های بالاتر اخبار رهنمون سازد. در بطن این رویکرد، حقیقت‌یابی از میان واقعیت‌های مهندسی‌شده قرار دارد؛ واقعیاتی که غالبا با دستکاری و گزینش هدفمند، تصویری تحریف‌شده از رویدادها ارائه می‌دهند.

«مکث» با تکیه بر پژوهش‌های عمیق، مصاحبه با کارشناسان، استفاده از اسناد و آرشیوهای تاریخی و سفرهای میدانی، سعی در بازنمایی تصویری جامع‌تر و صادقانه‌تر از موضوعات دارد. این برنامه با پرهیز از کلیشه‌های رسانه‌ای و ارائه روایت‌هایی که ریشه‌های تاریخی و ابعاد گوناگون مسائل را روشن می‌سازد، مخاطب را به تفکر و تحلیل مستقل تشویق می‌کند. مکث نه یک برنامه خبری روزانه است و نه صرفا یک روایت اول بلکه به‌دنبال ایجاد پرسش، توانمندسازی مخاطب برای ماهیگیری در اقیانوس اطلاعات ارائه تحلیلی منصفانه و ایجاد نوعی پژوهشکده است. این برنامه با پیوند زدن مسائل امروز به تاریخ ناگفته و تقویت درک متقابل در پهنه ایران فرهنگی، در جنگ روایت‌ها، سنگری مستحکم برای حقیقت بنا نهاده است.

یادداشت

دکتر اردشیر زابلی‌زاده | عضو هیأت علمی دانشگاه صداوسیما

تحلیل ارتباطی همکاری دولت و رسانه ملی

وقتی سخنگوی دولت در یک رسانه حضور پیدا می‌کند و کلیدواژه‌هایی نظیر «بازگشت رسانه‌ملی به مدار اصلی» را مطرح می‌سازد، در حوزه مباحث دانشگاهی ارتباطات، این سؤال پیش می‌آید که تعریف دقیق این مفهوم چیست. هرگاه یک کلیدواژه یا مفهوم بدون مرزبندی مشخص وارد فضای عمومی شود، زمینه را برای سوءاستفاده دشمنان و تفسیرهای گوناگون فراهم می‌کند.

بنابراین، لازم است حد و حدود این اصطلاحات تعریف شود. سرکار خانم مهاجرانی که مسئولیت سنگین سخنگویی دولت را برعهده دارند و باید رسالت انسجام و اعتماد مردم را در نظر بگیرند، شایسته است روشن کنند که منظورشان از بازگشت به مدار اصلی چیست. رسانه‌ملی دارای چارچوب، وظایف و مأموریت‌های مشخصی است که مصلحت نظام در صدر آنها قرار دارد. تعریف صحیح این موضوع کمک می‌کند تا پیام به‌درستی منتقل شده و سوءتفاهم‌ها برطرف شود. طبیعی است که رسانه‌ملی هم از نقد منصفانه و سازنده استقبال می‌کند و قطعا از این پس نیز با نگاه مثبت از آن استفاده خواهد کرد.

باید به این واقعیت توجه داشت که کشور در شرایطی جنگی به سر می‌برد و در این وضعیت، رسانه مسئولیت بسیار سنگینی برای تمرکز بر شرایط کشور و حفظ انسجام ملی دارد.

نقد کردن عملکردها، هرچند منصفانه و سازنده باشد، در چنین شرایطی مستلزم ملاحظات و دقت‌های خاصی است. اصطلاحاتی که به کار می‌رود نباید موجب تضعیف مأموریت اصلی رسانه‌ملی شود که همان حفظ انسجام و اعتماد مردم است. وقتی صحبت از بازگشت به مدار اصلی می‌شود، باید پرسید کار رسانه‌ملی چیست. ایجاد امید و وحدت، و شفافیت هوشمندانه از ارکان اصلی کار صداوسیماست.

شفافیت هوشمندانه به این معناست که در شرایط حساس کشور، قرار نیست هر مسأله‌ای بدون حد و مرز مطرح شود تا دشمنان از آن سوءاستفاده کنند. صداوسیما هم اکنون ایجاد امید و وحدت را در دستور کار خود دارد و با وجود این‌که ممکن است تمام این اهداف به‌طور کامل محقق نشده باشد، اما تلاش سازمان همواره در این مسیر بوده است.

یک نکته کلیدی که در تحلیل کارکرد صداوسیما باید به آن توجه داشت این است که رسانه‌ملی رسانه ملت و رسانه نظام است، نه رسانه دولت. با این حال، مسئولان سازمان صداوسیما همواره به دنبال ایجاد همکاری راهبردی با دولت هستند. اگر نکته یا انتقادی وجود دارد، می‌توان آن را در قالب تعامل سازنده با قوا برطرف و اصلاح کرد.

سخنگوی دولت هنگام مواجهه با رسانه‌ها باید در انتخاب واژه‌ها و جملات دقت کافی داشته باشد، زیرا این دقت به شکل‌گیری همکاری راهبردی کمک می‌کند. هدف دولت قطعا ایجاد دعوا یا جنگ رسانه‌ای در شرایط کنونی نیست، بلکه هدف باید اصلاح روابط باشد. با توجه به حجم عظیم هجمه‌های داخلی و خارجی علیه رسانه‌ملی، درست نیست که با عبارات شبهه‌ناک و مبهم که نیت آنها مشخص نیست، عملکرد این سازمان را زیر سؤال ببریم.

سخنگوی دولت باید ویژگی‌های این جایگاه حساس را رعایت کند و به جای اظهارنظرهایی که به شکاف‌ها دامن می‌زند، در جهت ایجاد همکاری میان دولت و رسانه‌ملی گام بردارد.

اگر انتقادی وجود دارد، انتقال آن در جلسات خصوصی و خاص بسیار مؤثرتر از طرح مبهم آن در برابر میکروفن رسانه‌هاست. صداوسیما سنگر اصلی جبهه فرهنگی است و باید تقویت شود، نه تضعیف. رسانه‌ملی همواره مصلحت نظام، اعتماد مردم و پاسداری از خون شهدا را سرلوحه کار خود قرار داده است.

در شرایطی که کشور در دوره‌های مختلف از جمله جنگ‌های اخیر شهدای بسیاری تقدیم کرده است، مدیران و کارکنان رسانه‌ملی با توجه به منافع کشور، تقویت دولت و قوا را وظیفه خود می‌دانند، اما در عین حال صیانت از اعتماد مردم به‌عنوان سرمایه نظام را نیز به‌عنوان وظیفه اصلی خود دنبال می‌کنند.

با این نگاه مثبت و تعامل هوشمندانه، قطعا تذکرات دولت نیز در مسیر هم‌افزایی بیشتر مورد توجه قرار خواهد گرفت.